

مصاحبه اختصاصی با:

حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

نماینده امام در شورای عالی دفاع

- * ترسیمی از اوضاع فعلی جنگ تحمیلی *
- * کاربرد موشکها * انتخابات * حج و آینده آن *
- * انقلاب اسلامی فلسطین *

انقلاب اصیل معمولاً با این جریانات درگیر است.

در هر صورت این وضع جاری ما است، پس در هر جایی از جنگ تحمیلی که بوی پیروزی ما می آید، برای شکستن ما پرده جدیدی را پیش می آورند. و این اواخر که تحقیقات مطمئن شدند اگر وضع را به صورت عادی بگذارند، در جریان طبیعی، صدام شکست می خورد لذا دائماً یک پرده غیرطبیعی در جهت تقویت صدام و تضعیف ما به وجود می آورند.

این سیاست جاری یکی دو سال اخیر است که الآن به صورت پکنواخت درآمده و شما عمده جلوه هایش را در خلیج فارس مشاهده می کنید. دشمنان به او امکاناتی دادند که در آنجا به ما ضربه هائی بزند و شریان حیاتی اقتصادی ما را قطع کنند؛ ولی دیدند با این وضع دیگران هم آسیب می بینند، خودشان حضور پیدا کردند، بازم دیدند مشکلاتی برایشان پیش می آید، به فکر توطئه جدیدی افتادند. و آن دادن امکانات موشکی دوربرد به عراق است. البته امکانات موشکی را قبلاً نیز به عراق داده بودند ولی بردش در حدود دوست الی سیصد کیلومتر بیشتر نبود که ما در مقابل توانسیم قدرتی را بدست بیاوریم که پاسخ موشکی عراق را روی بغداد بدهیم یعنی نتیجه معکوس گرفتند زیرا بغداد تهدید شد ولی تهران از تعرض موشکی آنها مصون بود.

تضاد موجود

اینک به فکر افتادند که آن برتری ما را از دستمان بگیرند و مسئله را به نفع عراق حل کنند. مشکل اساسی که استکبار در این رابطه دارد تضادی است که در ابعاد مختلف وجود دارد و دست آنها را بسته است و گرنه اینها لحظه ای هم تردید نمی کردند که عراق را آفتزد نبرومند کنند که از سوی ما تهدید نشود. آن تضاد این است که بهر حال توده مردم عراق عرب و مسلمان هستند و

با تشکر از جناب حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی نماینده

امام در شورای عالی دفاع، در اولین سؤال، تقاضا می شود ترسیمی از اوضاع فعلی جنگ تحمیلی و شرایط کنونی منطقه و مسائلی که در این رابطه مطرح است، برای امت پامدار اسلام بیان فرمائید.

مخالفت استکبار با پدیده انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم. بطور کلی از ماه های اول انقلاب تا کنون، یک جریان ثابت دیده می شود که پرده های گوناگون آن بصورت مختلف تا بحال ظهور کرده و می کند، و در کنار این جریان ثابت محور اصلی، حوادث و اتفاقاتی هم پیش می آید که در هر مقطعی معنای خاصی دارد. اصل اول این است که پدیده ای به نام «انقلاب اسلامی» که در عواطف، عقاید و ایمان انسانها ریشه دارد برای جریانهای مادی حاکم جهان قابل قبول و پذیرفته نیست و اصولاً جریانهای حاکم چنین چیزی را که پایگاه مرفعی و عقیدتی صالح و سالم داشته باشد، نمی توانند بپذیرند چون می فهمند این در جهت تضاد با منافع نامشروع آنها پیش می رود.

انقلاب اسلامی در شرایط کنونی، یکی از همان جریانهایی است که منافع نامشروع را در هر جا که با آن مواجه شود، طرد می کند. این منافع نامشروع می تواند مربوط به سرمایه داری غربی باشد یا متعلق به مادبگرانی شرقی و ممکن است هم مربوط به ارتجاع باشد که به طور کلی در هر منطقه ای عمدتاً زمینه نفوذ سرمایه داری غربی است و همچنین برای حکومتهای محلی که نامشروع هستند. چه دیکتاتور باشند و چه فربکار. همه اینها جلوه هایی از قدرت نامشروع و مادی است که با مصالح مردم در تضاد است و از این رو، یک

اگر عراق را مسلح کنند تا حدی که بتواند مطمئناً جلوی ما ابتادگی کند، با منافعی که در اسرائیل دارند تضاد پیدا می کنند چه ممکن است برخی از کشورهای عربی یا اسرائیل در آینده با عراق درگیر شوند...

بنابراین، با اینکه خیلی علاقمند هستند عراق را در حد بالایی تقویت بکنند، نگرانند که اگر این قدرت بدست دیگری غیر از صدام افتاد، منافع آنها را تهدید خواهد کرد. در هر صورت اینها هیچ تضمینی ندارند که حزب بعث برای همیشه در عراق بماند؛ همانطور که در ایران اتفاق افتاد در حالی که جانی مطمئن تر از ایران نداشتند با آن شرایطی که به وجود آورده بودند و سازمانهای زیادی خانواده پهلوی را نگهداری می کردند و سیا و سایر سازمانهای جاسوسی دنیا او را حفاظت می نمودند و تمام نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی که در ایران بودند، همه پاسدار منافع خاندان پهلوی و عملاً پاسدار منافع آمریکا و انگلیس و سایر غربیها بودند، تجربه تلخی برای مستکبران بود که دیدند تمام آن امکانات بدست ملتی افتاد که می خواهد با استکبار بجنگد پس هیچ دلیلی ندارد که مطمئن باشند که فردا در عراق چنین اتفاقی نیفتد.

بنابراین، حضور خودشان در منطقه را به این دلیل باید توجیه بکنیم که اینها مجبور شدند این رسوائی را بپذیرفتند که با بیش از صد کشتی جنگی وارد خلیج فارس شوند و این همه لشکرکشی بکنند و امکانات ناتورا برای یک جریان محدودی در منطقه فرار بدهند برای اینکه اولاً می دیدند ظرفیت عراق آنقدر نیست که بتواند آن را تقویت بکند و ثانیاً همین تضادی که نقل کردیم آنها را به چنین کاری واداشت. البته تضاد دیگری هم وجود دارد که قوی تر از آن است و آن وضع خود عراق است.

امروز عراق مانند برده ای است که دو مالک و ارباب در او شریکند، عراق بین شرق و غرب در تحرک است یعنی گاهی به این طرف کشیده می شود و گاهی به آن طرف. ما می دانیم امکانات نظامی عراق عمدتاً از روسها است و هنوز هم قسمت اعظم بدافندش، توپهای میدانش، تانکهایش، هواپیماهایش، مهماتش و حتی تعلیمات نظامی و شیوه جنگیدنش روسی است؛ از طرفی دیگر منبع تغذیه اش از لحاظ مالی و امکانات مادی کاملاً غربی است، ارتجاع عرب از قبیل عربستان و کویت منبع مالی قوی عراق هستند و به طور جدی در اختیار آمریکا قرار دارند، بعلاوه خودشان هم در جنابات عراق شریکند.

این مثلث ارتجاع، امپریالیسم و مارکسیسم که حامی بغداد هستند، یک پای فئیه هستند و از انقلاب اسلامی تهدید می شوند بنابراین اینها ذاتاً شریکند. این بعلاوه کمکهای دیگری که از غرب می گیرند مانند کمکهای اطلاعاتی، جاسوسی، تبلیغاتی و حضور در خلیج فارس و امثال اینها.

و بدینسان عراق، به تعبیر قرآن مانند برده ای می ماند که چند مالک دارد و سر آن به جنگ و محاصره پرداخته اند: «ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء منشا کسوف و رجلاً مسلماً لرجل هل یستویان مثلاً» (زمر-آیه ۲۹). خداوند مثل می زند مردی را که چند شریک باهم سراو دعوا دارند و مردی که با مردی دیگر با مسالمت رفتار می کند، آیا این دو با هم برابرند؟

و همچنین نجسم آید دیگری است که می فرماید:

«و ضرب الله مثلاً رجلین احدهما ابکم لایقدر علی شیء و هو کل علی

مولاه اینما بوجهه لایات بخیر، هل یستوی هو من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم» (النحل-آیه ۷۶). و خداوند مثل می زند دو نفر را که یکی گنگ است و بر هیچ کاری توانایی ندارد و کل بر مولای او باشد که هر جا او را می فرستد، خبری از او نمی بند؛ آیا این شخص برابر است با آن کسی که به عدالت دستور می دهد و بر صراط مستقیم حرکت می کند؟

و این مثل قرآنی چقدر جالب است و چقدر بر این رژیم یعنی منطبق است که از خودش هیچ توانایی ندارد و هر چه هم اربابان می خواهند از او استفاده بکنند، بجز رسوائی برای آنان چیز دیگری ندارد، و راستی چنین شخصی ممکن است برابر باشد با جمهوری اسلامی که می خواهد به عدالت رفتار کند و بر صراط مستقیم الهی گام بگذارد؟

پس این تضاد وجود دارد که شوروی بخاطر نفوذ غرب که در بغداد می بیند، دستش چندان باز نیست و اطمینان ندارد که در آنجا زیاد سرمایه گذاری کند، چه نمی داند سرانجام این سرمایه گذاری چه خواهد بود؟ غرب هم همین نگرانی را دارد، زیرا امکان دارد اگر سرمایه گذاری زیادی بکند، در آینده از دستش خارج شود و هیچ اطمینانی ندارد که در آینده بتواند از آن استفاده نماید. و از طرفی دیگر هر دو هم نمی توانند عراق را کنار بگذارند چرا که این می ترسد اگر او را ترک کند به دست دیگری بیفتد و آن یکی هم همین ترس را دارد.

لذا مجموعه این تضادهایی که وجود دارد کار را به اینجا رسانده که نه بتوانند خیلی سرمایه گذاری کنند و نه بتوانند آن را تنها بگذارند، نتیجه این می شود که عراق را در حدی که بکده فرو نریزد، باید حفظش بکنند.

موشکهای دوربرد عراق

این یکی از برده های نوطه است که اکنون ما داریم آن را تجربه می کنیم و آن اینکه آمدند کمک کردند بر پایه موشکهای که روسیه با اعمار روس در اختیار عراق گذاشته اند یعنی اسکادسی هایش را تقویت کردند. و اینطور که متخصصین ما می گویند: از آن موشکی که سالم بدست ما افتاده چنین معلوم شد که، برای اینکه بُرد موشکها را دو برابر کنند (که تا ششصد کیلومتر بود) باید سوخت بیشتری تزریق بشود و برای این کار باید محفظه های سوخت را بزرگتر کنند، و لذا حدود دویست طول این موشک را بیشتر کردند یعنی منبع سوخت را قوی تر کردند بدین معنی که از سه موشک می تواند دو موشک درست کند؛ قسمتی از پاک را می نزنند و به بدنه پاک دیگر وصل می کنند، وسط آن را هم می برند و جوش می دهند و سوخت بیشتری تزریق می کنند. آنگاه بخاطر اینکه موشک قدرت کندن جسم به این بزرگی را که برود بالا و در بالای جو حرکت کند، ندادند ناچار شدند وزن سرچنگی آن را کم کنند و از ۷۰۰ یا ۸۰۰ کیلوگرم به ۱۶۰ کیلوگرم تقلیل بدهند، آن وقت جای آن قسمتی از سرچنگی که خالی شده، مقداری از مواد منفجره روی دیواره اش هنوز جسیده است و نتوانستند آن را خوب پاک کنند لذا آمدند آن قسمت از ناسیبات پائین موشک را که هوا تزریق می کرده، از پائین برداشتند و بجای آن مواد خالی شده در سرچنگی گذاشتند و برای اینکه تعادل وزن دو طرف مرکز ثقل را هم حفظ

سیاست جنگی ایران

سیاست جنگی ما این است که با همان شیوه‌ای که خودمان داریم و تا آنجا که امور اقتصادیمان سالها بتواند تحمل بکند و از پا در نیاید، جنگ را ادامه می‌دهیم و تصمیم گیریهایمان را با شرایط مختلفی که داریم مرتبط می‌سازیم و در هر مقطعی از زمان، اقدامات لازم را انجام می‌دهیم. باید همیشه هم مواظب اطراف خود باشیم و از این حوادثی که اتفاق می‌افتد هم بهره‌برداری کنیم و هم جلوی ضرر به‌پذیری خودمان را بگیریم. در خلیج فارس هم ملاحظه کردید که چگونه برخورد کردیم که الحمدلله در سطح جهانی به نفع ما شد و کلّ دنیا فهمید که قدرت ضد استکباری و مستقل که مورد بغض جریتهای شوم ضد انسانی، استکباری و ارتجاعی است، ایران است و موقعیت جمهوری اسلامی در افکار آزادخواهان دنیا تثبیت شد، به نحوی که الآن هر جا جریانی باشد که علیه آمریکا مبارزه می‌کند، به ما مراجعه می‌کند و می‌خواهد از تجربه انقلابی ما استفاده کند.

در هر صورت، جریان خلیج فارس در مجموع، خیلی به نفع جمهوری اسلامی و اعتبار جمهوری اسلامی شد و از داخل هم زنگ خطری بود برای ملت ما و این هشباری که مردم ما بعد از آمدن آمریکا به خلیج فارس پیدا کردند، خیلی بیشتر از هشباری گذشته است و آمادگی که برای دفاع پیدا کردند قوی‌تر و جدی‌تر است و تصمیم به مقاومتشان بیشتر شد چون لمس کردند که قدرتهای استکباری، طرف ما هستند. تا حالا ممکن بود گاهی تبلیغات عوام‌فریبانه‌ای که می‌شود، مسئله را بخواهند در حد «غربی» یا «شبه و سنی» یا «همسایه» یا «مسائل مرزی» یا «لجاجتهای بین دو دولت» تفسیر بکنند ولی شرایط نشان داد که مسائل از این حرفها خیلی بالاتر است. قضیه موشک هم با اینکه از نظر ما چیز زودگذری است، می‌تواند برای خود ما مفید باشد. به این معنی مفید باشد که توجه بیشتری به صنعت موشکیمان بکنیم.

ما براحتی می‌توانیم تولید انبوه موشک صدوسی کیلومتری در کشورمان داشته باشیم و این مقدار زرد را برای موشکهای کاملاً دست‌ساز خودمان آزمایش کرده‌ایم یعنی اگر تمام مرزهایمان را هم ببینند، ما می‌توانیم این موشک‌ها را به اندازه زوزی ده‌الی بیست موشک تولید کنیم و در آن حال پایتخت عراق روزی ده‌الی بیست موشک ساخت ایران، می‌تواند بخورد!

بهر حال تقریباً تمام اماکن حساس عراق در زرد موشکی ما می‌تواند قرار بگیرد (همان موشکهای خودمان نه موشکهای اسکاد بی و امثال آن) زیرا بعد از عملیات بیت المقدس در صد کیلومتری کرکوک قرار گرفته‌ایم و سلیمانیه در زرد توپخانه ما است. موصل از حضور ما در ارتفاعات شمال عراق، می‌تواند در زرد موشکیمان فرار بگیرد، بصره هم که وضعیت معلوم است. پس عملاً عراق جای امنی ندارد و ما اگر توجه بیشتری به صنعت موشکیمان بنمائیم، می‌توانیم مسئله موشکی عراق را بطور کلی، تحت الشعاع قرار دهیم. گرچه ما چنین شیوه‌ای را در جنگ بهیچ وجه نمی‌پسندیم و آن را فقط برای مقابله به مثل و بازداشتن

بکنند، کار زیادی روی این موشک انجام داده‌اند که تحقیقاً عراقی‌ها نمی‌توانند این کارها را انجام دهند و بدون شک کارشناسان خارجی کمک کرده‌اند، همانها که خودشان صنعت موشکی دارند، حال ممکن است آمریکائی باشند یا فرانسوی یا از برخی کشورهای دیگر که الآن موشکسازی دارند و ممکن است عوامل روسها هم باشند ولی طبق اطلاعاتی که از منابع اطلاعاتیمان بدست آوردیم، یک مشاجره‌ای بین سران روسیه و عراقیها بوده است که روسها اعتراض شدید به عراق می‌کردند که شما دست کارشناسان خارجی را روی موشک ما باز کردید و اسرار نظامی ما را بدست رقبای ما می‌دهید و عراقیها اطمینان می‌دادند که ما بگونه‌ای استفاده می‌کنیم که آنها به اسرار شما دسترسی پیدا نکنند!

معلوم می‌شود در یک مرحله‌ای برخورد شدیدی میان آنها بوده و ظاهراً همان موقعی است که کارشناسان غربی موشکهای روسی را در عراق اصلاح می‌کردند برای اینکه به تهران برسد. در هر صورت این بحث بین عراق و روسیه بوده، حال چگونه حل شده است، من نمی‌دانم؟ آیا خود روسها جای آن کارشناسها را گرفتند یا شیوه‌ای به کار گرفتند که بدون اینکه اسرار روسها بدست غربیها بیفتد، مسئله حل شود؟ در هر صورت ما اطلاعاتی در این زمینه نیز داریم که فکر می‌کنم هنوز موقع گفتش نرسیده است.

بهر حال تا اینجا که پیش رفته‌اند، موشک عیوبی پیدا کرده که برای عراق بسیار گران تمام شده است یعنی برای زدن دو موشک، سه موشک مصرف می‌کنند و همینطور که می‌بینید قسمت بسیار زیادی از این موشکها عملاً بی‌نمر شده است. عراق با همین مقدار از موشکها که تا بحال به تهران و قم و اصفهان پرتاب کرده در همین چند روز، با مخارج جنسی که دارد شاید بیش از صد و پنجاه میلیون دلار خرجش شده است، و چندان هم برای عراقی رهايت بخش نبوده است و می‌توان گفت فایده‌ای که برای آنها داشته این بوده است که بیشتر شایهت به یک مانور برای جنگ ژوانی که روجه عراقیها را بالا برد و روجه مردم ما را به خیال خودشان تضعیف کنند.

البته این حرکتشان هم مانند حرکت قبلی شکست خورد و به افتتاح کشیده خواهد شد برای اینکه حربه‌ای بود که بیش از یکسال تا بحال مطرح می‌کردند و عراق همیشه فریاد می‌زد که تهران را با خاک یکسان می‌کنیم! و نتیجه این شد که داریم می‌بینیم.

و اگر واقعاً به عراق موشکهای اساسی دوربرد بدهند معنایش این است که باید بپذیرند اگر روزی ملت عراق آزاد شد، از داخل خاک عراق، اسرائیل یا جاهائی دیگر مورد تهدید جدی قرار بگیرد. پس چه اطمینانی دارند که چنین اتفاقی نیفتد؟ ولذا از اینکه ابرقدرتها بتوانند بی‌نهایت تا جلوگیری کامل از پیروزی ما پیش بروند، خوشبختانه یک نوع مصونیتی داریم ولی این مزاحمتها را نیز داریم.

آشفته‌گی اوضاع بغداد

• اتفاقاً عکس این است. ما خودمان در بغداد حضور داریم و نیروهای عرب و کرد مسلمانی که داخل عراق با ما همکاری می‌کنند، و اطلاعاتی که از داخل بغداد به ما می‌دهند، نشان دهنده این است که وضع بغداد خیلی آشفته است. این موشک‌هایی که ما پرتاب کرده‌ایم، نمانش بدون استثنا در نقاط موثر افتاده و ضربه‌های حساسی وارد آورده است.

در همین نشریات غربی آمده بود که یک تاجر ترک گفته است: تصادفاً هم موقعی که موشک به بغداد می‌خورد و هم موقعی که به تهران می‌خورد، در این دو پایتخت بوده‌ام. در تهران دیدم موشک در فضا منفجر شد و مردم از پائین نگاه می‌کنند و قطعات موشک را تماشا می‌کنند که به کجا می‌افتد! در بغداد وقتی که موشک به زمین خورد، همه شهر لرزید و مردم آنچنان وحشتی کرده بودند که قابل تصور نبود. و اصلاً همه می‌دانند که ساختمان‌های بلندی که در شش هفت کیلومتری موشک پرتاب شده قرار دارند تمام شیشه‌هاشان شکسته می‌شود. چنین وضعی نمی‌تواند برای بغداد عادی و آرام باشد.

- با توجه به سیخ و اعزام بزرگی که در ماه‌های گذشته انجام گرفت انتظار می‌رفت عملیات بزرگی انجام بگیرد آیا علت تأخیر آن تاکنون چه بوده است؟

سر تأخیر عملیات

• عملیات ما همبستگی نیست که فقط بخواهیم عملیات انجام دهیم! یعنی انگیزه ما تنها این نیست که چند قدم پیشرفت کنیم و یا چند تیب لشکر عراق را از پای درآوریم و یا چند نفر را اسیر کنیم! عملیات هم توان زیادی را از ما می‌گیرد و هم خرج زیادی برای کشور دارد و هم در هر صورت مقداری نیرو از دست می‌دهیم؛ پس باید عملیات خیلی حساب شده انجام بگیرد.

در هر عملیاتی، هم شرایط سیاسی را در نظر می‌گیریم و هم شرایط میدان را. برنامه‌های جنگی که داریم گاهی اقتضا می‌کند که در جایی عمل بکنیم برای اینکه به هدفمان برسیم و گاهی اقتضا می‌کند در جایی عمل نکنیم برای اینکه باید مقدماتی در آنجا پیش بیاید؛ و این دلیل خاص خودش را دارد. پس ما اگر تصمیم به عملیاتی بگیریم چه کوچک باشد و چه بزرگ، باید برای آن برنامه‌ریزی بکنیم و شرایط سیاسی دنیا را هم در نظر بگیریم. و در مجموع ما کاملاً آمادگی داریم و زمان را با شرایط و مقتضیات انتخاب می‌کنیم و عمل می‌نماییم.

- در رابطه با انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی که قطعاً برای ملت ما سرنوشت‌ساز است، اگر نکاتی به نظرتان می‌آید، لطفاً بیان فرمائید.

انتخابات مجلس شورای اسلامی

• راه ما در انتخابات باید همان راهی باشد که از آغاز انقلاب داشتیم و آن آنکا برتوده مردم و پذیرش وجدان جمعی ملت‌مان است ما واقعاً به تشخیص جمعی مردمان ایمان داریم و لذا فکر می‌کنیم بهترین راه این است که دست مردم باز باشد در اینکه آنچه را می‌فهمند در آراشان نشان بدهند و بر مردم چیزی تحمیل نشود. وزارت کشور، شورای نگهبان و دیگران باید تمام همتشان این

دشمن از شرارت‌های غیرقانونی می‌خواهیم. و لذا باید همیشه به فکر باشیم که ممکن است با پرده‌های جدید توطئه بازم مواجه شویم و بر ملت ما است که راه مستقیم خویش را که خلاصه می‌شود در مقاومت، ادامه جنگ و تحقیر مشکلات جنسی جنگ ادامه دهد و بر رزمندگان عزیز ما است که در جبهه‌ها پیش بروند و سرانجام آنان که بر باطلند و همواره می‌خواهند با باطل پیش بروند، به جایی خواهند رسید که متوقف شوند و واقعیت موجود را بپذیرند.

- به برخی از آثار مثبت جنگ موشکی اشاره فرمودید، اگر ممکن است نسبت به جنبه‌های دیگر مسئله نیز توضیح فرمائید.

تهران، مرکز الهام

• یکی از جنبه‌های مثبت دیگر قضیه این است که مردم تهران آزمایش خوبی در این حوادث نشان دادند. دو سال پیش هم که مسئله بمباران تهران بود و منجر شد به راهپیمایی روز قدس، خیلی تجربه مفید و سودمندی برای دنیا بود. آنها که هنوز نتوانسته‌اند ملت ایران را بشناسند، برداششان این بود که مردم تهران، مردم رفاه‌طلب و آسایش‌خواهی هستند و تحقیر بمباران و جنگ موشکی ندارند. همین نماز جمعه گذشته نشان داد که چطور مردم در زیر باران بیشتر از جمعه‌های دیگر حضور پیدا کرده بودند و اگر یک بیگانه‌ای وارد تهران شود و بخواهد منصفانه با قضایا برخورد کند، می‌بیند که گویا در تهران هیچ اتفاقی نیفتاده، و مردم زندگی طبیعی خود را ادامه می‌دهند. و در تهران از طرف حکومت، هیچگونه تضییق و تحمیلی بر مردم نیست، چه بخواهند در تهران باشند و چه از تهران خارج شوند.

این تجربه خوبی است برای پایتخت یک کشور جنگ‌زده. ما قبلاً هم این را داشتیم، این دفعه هم تجربه بسیار خوبی بود. البته تهران همیشه مرکز الهام برای دنیا بوده است و گر چه عده‌ای رفاه‌طلب همیشه در تهران وجود دارند، با این حال، توده مردم نقش خوبی برای مرکزیت دادن به حرکتها دارند.

مسئله دیگری که می‌تواند از دست‌آوردهای مثبت این جریان باشد، این است که ملت ما و رزمندگان ما توجه کنند که ممکن است فرصت زیادی برای پیروزی نباشد، می‌بینید دشمن تا کجا پیش رفته و اگر به صدام مهلت دهیم، حامیان صدام تا کجا جلو می‌آیند! و تحقیقاً این مطلب روی اراده رزمنده‌ها اثر می‌گذارد که با پشتکار و جدیت بیشتری در جبهه‌ها بجنگند و قطعاً این اثر را روی مسئولین هم گذاشته که نیروی بیشتری را در جبهه‌ها به کار ببرند و فرصت اینگونه شرارتها و توطئه‌ها را از دشمن بگیرند.

بهر حال این مطلب آثار بدی هم دارد؛ واقعاً مایه ناسف است که انسان ببیند در یک آن چندین نفر از هموطنان بیگناهی خصوصاً زنان و کودکان به شهادت برسند یا مجروح شوند، اینها تلخ است ولی بهر حال اینها عوارض جنگ است.

- بوقهای استکباری سعی کردند کاربرد موشک‌های ما را در بغداد مخفی نگه‌دارند و تبلیغ می‌کنند که اکثرآ به جاهای حساس نخورده و وضعیت بغداد عادی است در این رابطه نظر خودتان را بیان فرمائید.

باشد که انتخابات سالم انجام شود و مردم مجال پیدا کنند که وکلای خود را بشناسند و با شناخت به آنها رأی بدهند. البته برای مردم هم در این سالهای پس از انقلاب، چهره‌ها و افراد نامدار شناخته شده‌اند و خیلی بعد است بکنفر گمنام پیدا شود که بخواهد مردم را فریب دهد. و در انتخابات هم به اندازه کافی، انسانهایی که امتحان خودشان را در هر منطقه‌ای داده‌اند، مطرح می‌شوند.

انتظار از مسئولان این است که انتخابات را سالم برگزار کنند، انتظار ما از مردم هم این است که به افرادی رأی بدهند که در این مدت، صلاحیت خود را به اثبات رسانده‌اند، دلسوز هستند، روحیه اسلامی و روحیه حمایت از محرومان دارند، جاه‌پرست و خودخواه نمی‌باشند و برای منافع خودشان همه چیز را بهم نمی‌ریزند، و بنظر من چنین انسانهایی شناخته شده‌اند. من اطمینانم به مجلس سوم کمتر از دو مجلس گذشته است بلکه بیشتر است، یعنی خوشبختانه روحیه انقلابی ملت خودمان هنوز محفوظ است و مسئولان هم عمدتاً این روحیه را دارند. نباید نگران باشیم که هر چه از انقلاب و از تاریخ پیروزی دور می‌شویم، شرایط انقلابی در مردم ضعیف می‌گردد. باز هم من امیدوارم که آن حالت مردمی و اسلامی محفوظ خواهد ماند.

همین‌آن رهنمودهایی که حضرت امام در این یکی دو سال اخیر فرموده‌اند، برای مردم راهنماهای خوبی است و اگر مردم به همان میزان امام توجه کنند و آنها را محور تصمیماتشان قرار بدهند، امام راهشان را در انتخابات مشخص فرموده‌اند و ما هم بیش از حرفهای امام، حرفی نداریم. در مورد اظهارات اخیر که رژیم حجاز در رابطه با حج و راهپیمایی برائت گفته است، نظر جنابعالی چیست؟

مقاومت لجوجانه عربستان

ما تحقیقاً باید پافشاری کنیم که حج، آن جنبه سیاسی اسلامش را از دست ندهد، و تبدیل نشود به یک جریان خشک گذشته‌ای که بوده است؛ این باید برای ما یک اصل باشد. بنابراین، ما به هیچ قیمتی نباید تسلیم بشویم که حجی انجام شود که در آنجا جلوی راهپیمایی‌ها را بگیرند یا ظواهرات اسلامی و ضدصهیونیستی و ضدآمریکائی و ضداستکباری انجام نشود؛ ما نباید زیر بارشان برویم.

البته عربستان سعودی نشان داده که تا بحال تحقیقاً در این جریان دستور از آمریکا می‌گیرد و برای آن خیلی اهمیت دارد که راهپیمایی برائت انجام نپذیرد و حج به یک پایگاه صدور اسلام واقعی تبدیل نشود. آنها می‌خواهند این خاصیت را از ما بگیرند که گرفته بودند.

بنابراین، نقطه برخورد، با عربستان همین نقطه است؛ تا بحال ما فهمیدیم که حجازی‌ها سوه نیست دارند و حسن نیت ندارند و مطمئناً آنها تا آنجا که

بشوند مقاومت می‌کنند و با حرف و نصیحت و میانجیگری بعد است که تسلیم شوند. ما باید بهای بیشتری برای این مسئله بردازیم. این مسئله برای ما مثل مبارزه داخل کشورمان است چه آن روز که با شاه می‌جنگیدیم و چه امروز که با صدام به عنوان پایگاه استکبار در منطقه مبارزه می‌کنیم، منتهی با شکل دیگری. الآن برای ما یک نقطه درگیری است برای اهدافی که داریم، برای دشمن و ارتجاع و استکبار هم یک نقطه مقاومت لجوجانه‌ای است برای اینکه این پایگاه مهم بدست نیروهای متخصص اسلامی نیفتد. من فکر می‌کنم اگر عربستان روی لجاجتش بایستد، یک درگیری طولانی به دنبال خواهد داشت و سرانجام روزی تسلیم می‌شود.

البته گاهی دیده می‌شود که نوعی دوراندیشی هست ولی آمریکا نمی‌گذارد که اینها سرعقل بیابند و این سرعقل آمدن، مزاحمتی هم برای عربستان ندارد چرا که اگر از لجاجتش دست بردارد ما هرگز منافع او را تهدید نمی‌کنیم، ما در آنجا علیه صهیونیست‌ها و امپریالیسم مبارزه می‌کنیم و این چیزی است که بصورت ظاهر می‌تواند خودشان را منطبق با آن کنند.

بمنظر می‌رسد نوعی ناهمگونی در سیاست خارجی ما وجود داشته باشد و در حالیکه ما بخاطر یک فرد مثلاً کار را به قطع روابط با برخی از کشورها می‌رسانیم و به اصطلاح جنگ سفارتخانه‌ها با چنین سوژه‌هایی شکل می‌گیرد از سوی دیگر می‌بینیم که بزرگترین فاجعه تاریخ ادیان و بزرگ جنایت در سرزمین حرم امن الهی انجام می‌گیرد و صدها نفر به شهادت می‌رسند و امام آن مواضع قاطع را اعلام می‌کند که ما اگر از صدام و اسرائیل هم بگذریم از رژیم حجاز نمی‌توانیم بگذریم و آنها را ملحد اعلام می‌کند و... با این حال در سطح سیاست خارجی ما تحرک چشمگیر و هماهنگی با عظمت این فاجعه انجام نگرفت و بجای آن رژیم حجاز خود را طلبکار جلوه می‌دهد آیا چه توجیهی برای این ماجرا دارید؟

روابط با عربستان

باطن قضیه در عربستان هر چه باشد بهرحال، ظاهرش با انگلیس و فرانسه برای ما فرق می‌کند، اینها همسایه ما هستند و تمایل ما این است که با آنها روابط حسنه داشته باشیم و با هم همکاری کنیم گرچه اختلاف نظر هم در بعضی از مسائل داریم.

ما باید سیاستمان در منطقه این است که با عربستان هم مانند ترکیه و پاکستان سعی کنیم که صمیمی باشیم و با حفظ مواضعمان، همکاری‌هایی داشته باشیم. لذا نباید عجله کنیم ولی در عین حال جدی هم باید باشیم یعنی از مواضع خود عقب‌نشینی نمی‌کنیم. اینها شاید بیش از آنچه که باید باشد، نرسیده‌اند و خیال می‌کنند ما می‌خواهیم منطقه را شلوغ کنیم و همه چیز را بهم بریزیم ولی اگر بفهمند و سرعقل بیابند، در حجاز می‌توانند با ما با مسالمت زندگی کنند و ما هم در جوی آرام به برنامه سیاسی عادی خود برسیم ولی اگر روزی مابوس شویم که چنین چیزی بشود، آن چیزی که الآن در ذهن شما است ممکن است اتفاق بیفتد، و ما باز هم سعی می‌کنیم که در ایجاد حوادث تلخ جلو نیفتیم و عجله نکنیم.

است، در اختیارشان بگذاریم، ما حاضریم از خودمان کم کنیم و به آنها بدهیم.

ما حرکت فلسطینی را مانند حرکت خودمان می دانیم. البته مقداری فاصله مکانی با آنها داریم ولی تا آنجا که در لبنان یا جای دیگر حضور داشته باشیم کمک می کنیم. در هر حال بنظر ما هنوز کمکهایی که بتوانیم به آنها بکنیم در حد ایده آل نیست و کافی نیست، بلکه باید به فکر باشیم که کمک بیشتری بنمائیم و دنبالش را هم بگیریم تا به ثمر برسد ان شاء الله.

نه تنها فلسطین که ما در هر جای حساسی که با آمریکا مبارزه می کنند، آمادگی همکاری داریم. در باناما کاری را که مردم آن کشور شروع کرده اند، حاضریم به آنها کمک کنیم. به افغانستان هم نشان دادیم که ما با همه گرفتاریهایی که داریم، حاضریم از حق و اسلام و مردم دفاع کنیم، منتهی فلسطین همیشه یکی از محورهای مبارزه ما بوده که در آنجا سهم باشیم و از مبارزه های اسلامی خودمان جدا نمانیم.

با تشکر فراوان از جنابعالی که لطف فرمودید و وقت گرانبهای خود را در اختیار ما همامه پاسدار اسلام و ائمت پاسدار اسلام قرار دادید و از عنایتی که نسبت به بیان مواضع بحق جمهوری اسلامی فرمودید نیز تشکر کرده از خداوند متعال موفقیت هر چه بیشتر شما را در خدمت به اسلام و مسلمین و پیروزی سریع رزمندگان عزیزمان خواستاریم.

خداوند شما را هم توفیق دهد که مروج خوبی برای اسلام هستید...

انقلاب اسلامی فلسطین که این روزها شاهد آن هستیم، یکی از آرزوهای دیرینه امام و امت مسلمان بوده و همانگونه که مشاهده می فرمائید، مسلمانان محروم فلسطینی که طبعاً متأثر از انقلاب اسلامی هستند، با جدیت و تلاش فراوان، گامهای بسیار مثبتی که در پیشبرد انقلاب اسلامی برداشته اند و مبارزه شان روزانه جدی تر و گرم تر می شود؛ بی گمان امید آنها در تمام دنیا به جمهوری اسلامی است، آیا نظام جمهوری اسلامی چه فعالیت عملی و حرکت فعالی در این زمینه داشته و باید داشته باشد؟

انقلاب اسلامی فلسطین

آنچه که الان در فلسطین اتفاق افتاده و چند ماه است مسلمانان در بند فلسطینی مقاومت کرده اند، خلاف انتظار و برعکس پیش داوریها و تحلیلهای دنیا بوده؛ آنها خیال می کردند مردم فلسطین تن به ذلت و اسارت داده اند و دیگر از درون خالی شده اند. البته برای ما خلاف انتظار نبوده و چنین ابعدی داشتیم زیرا ارتباطاتی با فلسطینیان داشته ایم ولی باز هم اینقدر نمی دانستیم به این خوبی مقاومت کنند. ما نباید بگذاریم این حرکت اسلامی خاموش شود و ما آمادگی داریم در عین حال که درگیر جنگ هستیم. هر قدر که توان داریم، چه از نظر مالی و چه از نظر تسلیحاتی یا سایر امکاناتی که مورد نیاز آن عزیزان

بقیه از فشار مشرکین قریش...

حمله ور شده اطرافش را حلقه وار گرفتند و شروع کردند به پرخاش کردن و اظهار داشتند: تویی که درباره دین و آئین و خدایان ما چنین و چنان می گویی؟

پیغمبر (ص) فرمود: آری من گفتم!

عمرو بن عاص گوید: در این هنگام یکی از آنان را دیدم که دو طرف عبای آن حضرت را در دست گرفت (و قدر صدد آزار او برآمد) ابوبکر که در آنجا بود و آن منظره را دید گریان شده (روی دلسوزی نسبت بآنجناب) گفت: آیا مردی را بجرم اینکه می گوید: پروردگار من خدای یگانه است میکشید؟ و بدین ترتیب آن جناب را رها کردند و بدنبال کار خویش رفتند، و این جریان سخت ترین چیزی بود که من از قریش نسبت بآن حضرت دیدم.

و از ام کلثوم دختر ابی بکر نقل کنند که آنروز هنگامیکه ابوبکر بخانه بازگشت دیدم قریش سر او را شکسته اند. و نیز گفته اند: سخت ترین آزاری که رسول خدا (ص) از قریش دید این بود که روزی از خانه خویش بیرون آمد، و هر که در آنروز آنحضرت را دید چه آنان که زرخرید و غلام بودند و چه آنان که آزاد بودند (بنوعی) تکذیب او را

کرده و اذیت و آزارش نمودند، حضرت بخانه بازگشت و از کثرت صدماتی که دیده بود خود را در پارچه (ویا جامه) پیچیده و بخت، پس این آیه نازل شد «ای جامه بخود پیچیده برخیز و بترسان»^{۱۱}.

ادامه دارد

- ۱- سیره النبویه ابن کثیر ج ۱ ص ۴۹۴.
- ۲- اسد الغابه ج ۴ ص ۴۴.
- ۳- سیره النبویه ابن کثیر ج ۱ ص ۴۹۵.
- ۴- صحیح بخاری ج ۱۵ ط بیروت ص ۷۷- بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۱۰.
- ۵- تفسیر ابن هشام ج ۱ ص ۳۱۴.
- ۶- مجله پاسدار اسلام، شماره ۶۶.
- ۷- کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۶۸-۷۰.
- ۸- و البته این نقل بر طبق گفتار آنها که ولادت فاطمه علیها السلام را پنج سال قبل از بعثت دانسته اند می تواند مورد قبول واقع شود اما اگر ولادت آن حضرت را پنج سال پس از بعثت بدانیم چنانچه همین قول به صحت نزدیکتر است بعید بنظر می رسد.
- ۹- بحار الانوار ج ۱۸ ص ۱۸۷ و ۲۰۹ و اصول کافی ج ۱ ص ۴۴۹، سیره النبویه ابن کثیر ج ۱ ص ۴۶۸. و در تفسیر عیاشی این داستان را در تفسیر آیه شریفه «و مکروا و مکراهم و الله خیر الماکرین» از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده است.
- ۱۰- اسد الغابه ج ۲ ص ۴۶. سیره ابن هشام ج ۱ ص ۲۹۱. کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۸۳.
- ۱۱- سیره ابن هشام جلد ۱ ص ۲۸۹.